

## چالش‌های ناشی از اجمال قانون مجازات اسلامی در مرحله اجرای مجازات جایگزین حبس

| حسن حاجی تبار فیروزجائی\* | دانشیار، گروه حقوق، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران.

| حمیدرضا فیروزیان حاجی | دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد گرگان،

دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

| کیومرث کلانتری | استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه

مازندران، بابلسر، ایران

### چکیده

نظام قضائی ایران به لحاظ نسبتاً نوظهور بودن مسئله مجازات‌های جایگزین حبس، همواره با چالش‌های قانونی گوناگونی حسب مورد در مرحله تعیین و یا اجرای آن‌ها مواجه بوده است. نگارندگان با روش تحلیلی و کتابخانه‌ای و با آگاهی از گسترده بودن طیف چالش‌های قانونی پیرامون موضوع، هم از لحاظ جنبه و قلمرو، تنها به جنبه و قلمرو خاصی از چالش‌های قانونی ناشی از اجمال قوانین در مرحله اجرای مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق ایران پرداخته که نتایج آن حکایت از این دارد که جنبه‌های چالشی ناشی از اجمال قوانین در باب اجرای مجازات‌های جایگزین حبس در قالب هشت مورد به ترتیب: دامنه شمول ماده ۷۷ ق.م.ا از حیث نوع مجازات، جبران خسارت جسمانی وارده بر محکوم علیه مجازات خدمات عمومی رایگان، سازوکار نظارت بر اجرای مجازات توسط نهادهای پذیرنده، اخذ تأمین در حین اجرای مجازات، تعیین مجازات قابل اجرا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین حبس، شرایط و دامنه شمول تخفیف مجازات موضوع ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک، فقدان پیش‌بینی ضمانت اجرا در صورت ارتکاب جرم عمدی در حین

اجرای مجازات و وجود مانع در جمع بین چهار ساعت خدمت شاغلان با شغل آن‌ها، شناسایی شده و دستگاه قضائی را در عمل با مشکل مواجه ساخته است.

**واژگان کلیدی:** مجازات، جایگزین حبس، مرحله اجرا، چالش، اجمال قانون.

### مقدمه

هرچند همپای وضع قوانین کیفری در حقوق ایران به تبعیت از حقوق غرب جایگزین‌های حبس مانند آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات سابق پیش‌بینی شده بود، ولی استفاده از مجازات جایگزین حبس به صورت رسمی و نظام‌مند برای نخستین بار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ - با تأسی از سیاست‌ها و رهنمودهای مندرج در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعدد<sup>۱</sup> - مورد پیش‌بینی قانون‌گذار قرار گرفته است. مجازات جایگزین حبس هرچند می‌تواند واجد آثار مثبت و فرصت مناسبی برای جامعه حقوقی باشد، اما باید توجه داشت که استفاده شتاب‌زده از آن می‌تواند آثار منفی را در پی داشته باشد. صرف نظر از آن، به جهت بدیع بودن این طیف از مجازات‌ها، همواره شاهد وجود چالش‌های قانونی گوناگونی هستیم که نظام قضائی ایران در هنگام تعیین و یا اجرای این مجازات‌ها درباره شخص مجرم مواجه است. از این رو، شناخت و بررسی این چالش‌ها و سپس ارائه یک تفسیر و یا پیشنهاد منطقی در راستای اجرای بهتر عدالت و ایجاد وحدت رویه قضائی حسب مورد بیش از پیش اهمیت دارد.

شایان ذکر است که منظور از جنبه‌های چالش‌های قانونی یا حقوقی پیرامون اعمال و اجرای مجازات‌های جایگزین حبس شامل سکوت، تعارض و یا ابهام و اجمال در قانون مجازات اسلامی می‌باشد. بدیهی است از آنجایی که طیف و مصادیق چالش‌های قانونی بر حسب نوع و جنبه آن (حسب مورد از حیث سکوت، تعارض و یا اجمال قوانین) و نیز قلمرو موضوع (حسب مورد در مرحله تعیین و اعمال این مجازات‌ها و یا در مرحله اجرای آن)، گسترده و متنوع بوده و شناخت و تبیین هر یک، از حوصله این نوشتار خارج بوده و نیاز به بررسی هر یک در نوشتار مجزا دارد. از این رو نگارندگان با آگاهی به این امر در این نوشتار تنها درصدد شناسایی و پرداختن به جنبه و قلمرو خاصی از چالش‌های قانونی پیرامون موضوع یعنی چالش قانونی ناشی از اجمال قوانین در مرحله اجرای مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق موضوعه ایران - و نه در مرحله صدور حکم/تعیین و اعمال - و در راستای پاسخ به این پرسش اصلی بوده که نظام قضائی ایران در باب اجرای مجازات‌های

۱. به منظور اطلاع بیشتر از این اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در ارتباط با مجازات‌های جایگزین حبس و بازداشت موقت، بنگرید: (آشوری و همکاران، ۱۳۹۸: ۶-۴).

جایگزین حبس به چه چالش‌های قانونی مواجه است؟ و راه‌حل منطقی رفع هریک از آن چالش‌ها چه می‌باشد؟- بوده و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای درصدد ارائه شناسایی مهم‌ترین مصادیق چالش‌های تقنینی ناشی از اجمال قوانین در مرحله اجرای مجازات‌های جایگزین حبس و سپس ارائه یک تفسیر و یا پیشنهاد منطقی درباره هریک از آن چالش‌ها هستند. بر این اساس، مطالب این نوشتار شامل دو قسمت الف- تعریف مفاهیم اساسی و ب- مصادیق چالش‌های ناشی از اجمال قوانین در مرحله اجرای مجازات‌های جایگزین حبس تقسیم‌بندی می‌شود.

#### ۱- تعریف مفاهیم

##### ۱-۱- تعریف مجازات جایگزین حبس

نویسندگان تعاریف گوناگونی را از اصطلاح «مجازات جایگزین حبس» ارائه داده‌اند که برای مثال به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم داشت: «کیفرهای اجتماعی یا مجازات‌های جایگزین حبس که به کیفرهایی بینابین تعبیر شده‌اند و در میان کیفر حبس و تعلیق مراقبتی قرار دارند، کیفرهایی هستند که به جای زندان توسط قاضی مورد حکم قرار می‌گیرند و به این ترتیب جایگزین زندان شده و مانع ورود افراد به ندامتگاه می‌شوند» (گودرزی و مقدادی، ۱۳۸۴: دیباچه و بیگی، ۱۳۸۷: ۳۴-۲) یا «مجازات‌های جایگزین حبس در حقیقت مجازات‌های اجتماعی هستند که می‌توانند با ایجاد و توسعه احساس مسئولیت، تعلق باور، تعهد و وابستگی در مجرم وی را برای بازگشت به اجتماع مهیا سازند و ارزش‌های اجتماعی را در وجود وی نهادینه سازند»<sup>۱</sup> (دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۱).

اصطلاح مجازات جایگزین حبس با جایگزین‌های حبس متفاوت است، چراکه در مجازات جایگزین حبس، همان‌طوری‌که عنوان آن حکایت دارد، مقام قضائی به جای حبس مجازات دیگری که در قانون مورد پیش‌بینی قرار گرفته است را در مورد مجرم تعیین می‌کند؛ اما اصطلاح «جایگزین‌های حبس» یک مفهوم عام و گسترده‌ای است که علاوه بر موارد مجازات‌های جایگزین حبس، دربرگیرنده آن دسته از تدابیری نیز می‌شود که به منظور کاهش جمعیت کیفری زندان و اجتناب از آثار زیان‌بار آن پیش‌بینی شده‌اند، مانند تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط (حاجی تبار فیروزجانی، ۱۳۹۳: ۶).

بر این اساس، باید گفت که اصطلاح «مجازات جایگزین حبس» یک مفهوم اخص از اصطلاح «جایگزین‌های حبس» تلقی می‌شود. در حقوق موضوعه ایران، مصادیق مجازات‌های جایگزین حبس فقط به موارد منصوص در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی (دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی) و مواد ۸۸ و به‌ویژه ۸۹

در خصوص نوجوانان<sup>۱</sup> یعنی افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی که دارای مسئولیت کیفری هستند (مانند جزای نقدی، خدمات عمومی رایگان و اقامت در منزل) محدود می‌شود. به عقیده نگارندگان، مصادیق اعلامی به‌عنوان مجازات‌های جایگزین حبس در مقرر قانونی فوق‌الذکر جنبه حصری دارند، لکن برخی استادان حقوق معتقدند: «... ثانیاً، مصادیق مجازات‌های جایگزین حبس در ماده ۶۴ تمثیلی به‌نظر می‌رسد و دادگاه می‌تواند در شرایط و اوضاع و احوال خاص، مصادیق‌های دیگری غیر از مواردی که در این ماده احصاء شده را به‌عنوان جایگزین مجازات‌های حبس مقرر در حکم بنماید» (ولیدی، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

#### ۱-۲- تعریف اجمال قوانین

ماده ۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ قضات محاکم را مکلف کرده که دعای متخاصمین را به‌نحو پایا ن دهد و آنان را از امتناع به رسیدگی دعوی به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین، نهی کرده است. اما تعریفی از اجمال قوانین نکرده است. واژه «اجمال»، در زبان عرب، به معنی ایجاز و اختصار است؛ سخن مجمل یعنی سخن مختصر (جعفری، ۱۳۹۲: ۷۹). گاهی عبارت قانون به ظاهر نقصی ندارد، ولی برای بیان حکم نارسا است: یعنی از واژه‌هایی که به‌کار برده شده، ممکن است دو یا چند معنی متعارض استنباط کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۹۷).

در واقع «اجمال حکم یا قانون» ریشه در منابع فقهی دارد و اصطلاحی است که ابتدا در منابع فقهی و اصولی میان علمای اصول مطرح شد. (مظفر، بی‌تا: ۱۹۵ و سیفی مازندرانی، ۱۳۸۴: ۱۶۷). اجمال، اصطلاحی در علم اصول فقه، به معنای «مبهم بودن مقصود گوینده از لفظ و مراد فاعل از فعل» است. عنوان «اجمال» در مباحث الفاظ اصول فقه مطرح شده است. مجمل در مقابل مبین، وصف لفظ یا فعلی است که مقصود گوینده یا انجام‌دهنده از گفتن یا انجام آن نامعلوم است (قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۵). اجمال در لفظ؛ یعنی اینکه گوینده، واژه‌ای را بیان کند، ولی شنونده مقصود دقیق از آن را نمی‌داند (قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۵). برای مثال، دلیلی دلالت بر وجوب اکرام علما دارد و برای مستمع مشخص نیست که آیا علمای علم نحو نیز مشمول حکم وجوب اکرام هستند یا خیر؟ به این قسم اجمال لفظی می‌گویند. اجمال در فعل بدین معنا است که جهت صدور فعل روشن نیست؛ مانند اینکه امام معصوم (ع) جلسه استراحت (نشستن توأم با آرامش

۱. در حقوق ایران، مستتب از مواد ۱۴۶ تا ۱۴۸ و مواد ۸۸ تا ۹۱ قانون مجازات اسلامی و نیز بند «ب» ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، نوجوان به شخص بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی (دختر ۹ سال تمام قمری تا ۱۸ سال تمام شمسی و پسر ۱۵ سال تمام قمری تا ۱۸ سال تمام شمسی) گفته می‌شود.

بدن پس از سجده دوم نماز) (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ ق: ۱۰۰۰) را در نماز ترک کند و معلوم نباشد که این ترک به دلیل تقیه بوده است یا بیان مشروعیت (مظفر، بی تا: ۱۹۵ و قلی زاده، ۱۳۹۰: ۴۴) در اینجا به آن دلیلی که این کار معصوم (ع) را نقل کرده، «مجمل» گفته می شود. اجمال در کلام دارای اسبابی است که مهم ترین آن‌ها عبارت انداز:

۱. نبود قرائن و شواهد حالی یا مقالی هنگام صدور کلام و یا از بین رفتن آن.
۲. بریده بریده بودن کلام (تقطیع کلام).
۳. نقل معنای کلام - نه عین الفاظ گوینده - با واسطه‌های متعدّد که گاه به اجمال در کلام منجر می شود.

۴. اختلاف نسخه‌ها که در احادیث فراوان یافت می شود.

۵. به کار بردن واژه‌ای که برای معانی متعدّد وضع شده است، اما قرینه‌ای برای تعیین یکی از آن‌ها وجود ندارد (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۱۰۷-۱۰۶ و مظفر، بی تا: ۱۹۶-۱۹۵).
- در ادبیات حقوقی کشور ایران ظاهراً اجمال عنوانی است مترداف با ابهام و هردو در موارد نارسایی متن قانون به کار می روند. اما با توجه به تفاوت معنای لغوی این دو مفهوم مصطلح اجمال و نیز با عنایت به اصل عدم ترادف الفاظ و عبارات متعاطف، باید گفت میان این دو به ویژه در مواردی که در کنار هم قرار می گیرند یا عطف بر یکدیگر می شوند، تفاوت مفهومی وجود دارد (امیدی، ۱۳۹۴: ۷۷-۷۶).

به نظر می رسد که عنوان اجمال بر مواردی قابل اطلاق است که دستور قانون گذار محتمل معانی متعدّد و بیش از یک تفسیر باشد، ولی بدون توسل به منابع و ابزارهای خارج از متن قانون، نتوان یکی از معانی یا تفسیرها را بر دیگری ترجیح داد. در موارد اجمال، علم و آگاهی اجمالی از مراد مقنن وجود دارد؛ مشکلی که هست عدم امکان ترجیح یکی از معانی محتمل بر معنی یا معانی دیگر است. در حالی که در موارد ابهام اصل مقصود مقنن یا مرزهای حاکمیت مقررات او نامعلوم است (امیدی، ۱۳۹۴: ۷۷-۷۶). در واقع اجمال قوانین را می توان همان معنایی که در علم اصول رایج است تعریف کرد و آن عبارت است از: «انشا و بیان حکم یا قانون به نحو کلی و مجمل، طوری که در اجرای آن با تردید مواجه شده و عملاً اجرای حکم متعسر گشته و یا ممکن نباشد» (اباذری فومشی، ۱۳۹۲: ۳۷۸). علمای اصول، اجمال نصّ (آیه یا روایت) را در صورتی که رفع آن اجمال به دلیل دیگر و یا جمع بین چند دلیل ممکن نباشد، سبب سقوط حجّیت آن در مقام عمل می دانند. از این رو، در موارد اجمال نصّ، به قواعد و اصول لفظی و یا عملی رجوع می شود (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ ق: ۲۵۸).

براساس برداشت فوق‌الاشعار از مفهوم اجمال در قوانین، ذیلاً درصدد شناسایی و بررسی مصادیق و موارد اجمال قوانین جزائی ایران تنها از حیث مرحله اجرای مجازات‌های جایگزین حبس - و نه در مرحله تعیین و صدور حکم این مجازات- و ارائه تفسیر منطقی درباره هریک از آن‌ها، خواهیم بود.

## ۲- مصادیق اجمال قوانین در مرحله اجرای مجازات جایگزین حبس

به‌طورکلی، نگارندگان با تعمق در قوانین موضوعه ایران در باب چگونگی اجرای احکام کیفری راجع به مجازات‌های جایگزین حبس، قائل به این نظر هستند که مهم‌ترین مصادیق چالش‌های قانونی از نوع اجمال در قوانین در باب مرحله اجرای مجازات‌های جایگزین حبس که در عمل موجب ایجاد مشکلات و اختلاف‌نظر در رویه قضائی هم شده است را در موارد ذیل قابل‌شناسایی و بررسی بوده که به‌طور جداگانه به هریک از آن‌ها می‌پردازیم.

### ۱-۲- دامنه شمول ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی از حیث نوع مجازات

قانون‌گذار در ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۱۳۹۲ یک نوآوری خاصی داشته است و به قاضی اجرای احکام اجازه داده است با شرایطی تغییر در مفاد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند. حال پرسش این است که تشدید یا تخفیف یا تبدیل یا توقف موقت مجازات به دادگاه صادرکننده رأی صرفاً در مجازات‌های مشمول مجازات جایگزین حبس می‌باشد یا در سایر مجازات‌های قانونی هم قابل اعمال است؟

در پاسخ به این پرسش شاید بتوان چنین بیان کرد که: «در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قانون‌گذار از سویی اقدام به وضع مقرراتی کرده است که موجب کاسته شدن میزان حبس می‌شود و از سویی دیگر وضع برخی از مقررات به حبس‌زدایی منتهی می‌شود» (بهره‌مند، ۱۳۹۶: ۳۵۷ تا ۳۸۲) و هدف قانون‌گذار در قانون جدید مجازات اسلامی ضمن نظام‌مند کردن به‌کارگیری مجازات حبس، استفاده حداقلی از این مجازات در جرائم سبک است. اگر ملاک ما جهت بیان مقصود قانون‌گذار در پاسخ به پرسش مذکور چنین باشد، باید گفت که هدف قانون‌گذار، اعمال مفاد ماده ۷۷ در کلیه جرائم است. به‌موجب این دیدگاه که در رویه قضائی عده‌ای از قضات محاکم بدان نظر عقیده دارند، دادگاه قادر خواهد بود که به هر جهتی که خود مناسب می‌داند، پس از پیشنهاد قاضی اجرای احکام،

۱. ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی: «قاضی اجرای احکام می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل، توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند...».

مبادرت به تشدید یا تخفیف یا تبدیل کند. زیرا ماده ۷۷ قانون مرقوم کلمه مجازات را به نحو مطلق استفاده کرده است.

لکن، در مقابل عده‌ای با استدلال‌های متعددی از جمله ۱- اقتضای اصول جزائی چون «قاعده فراغ دادرس» و «اصل اعتبار امر محکوم‌بها»، «اصل قانونی بودن مجازات»، ممنوعیت از دخل و تصرف در احکام قطعی در مرحله اجرای حکم می‌باشد. ۲- اگر اراده قانون‌گذار بر اطلاق لفظ مجازات در ماده پیش گفته بود، آن را در ذیل فصل «نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها» می‌گنجاند و نه اینکه آن را در فصل مجازات جایگزین حبس قرار دهد. رویه قضائی در عمل هم گرایش به دیدگاه دوم دارد و حتی در نشست قضائی مورخ ۱۳۹۷/۳/۳۰ استان فارس شهر زرین‌دشت دیدگاه اکثریت قضات حاضر چنین بوده است: «نظر به اینکه در ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی در ذیل فصل نهم از مجازات‌های جایگزین حبس مقرراتی را اعلام کرده، تنها ناظر بر مجازات‌های جایگزین حبس و ممنوعیت تفسیر موسع قوانین کیفری نیز ایجاب می‌کند که حتی اگر به موجب قانون برای عملی قابلیت تعیین مجازات جایگزین حبس وجود داشته باشد و این نهاد اعمال نشده باشد، قابلیت اجرا ندارد» (صورت جلسه نشست قضائی استان فارس شهر زرین‌دشت به تاریخ ۱۳۹۷/۳/۳۰ به نشانی پایگاه اینترنتی <http://www.neshasdoor.org/home/get> تاریخ مشاهده: ۹۹/۵/۲۰).

اما به اعتقاد نگارندگان با وجود قوت نظر و منطقی به نظر رسیدن دیدگاه اخیر، دیدگاه نخست قابل قبول‌تر است. زیرا اولاً، واژه «مجازات» در ماده ۷۷ قانون مزبور به نحو اطلاق پیش‌بینی شده است و محدود به مجازات‌های جایگزین حبس نشده است. وانگهی، اطلاق هم حجت است. ثانیاً، اقتضای قاعده حکیمانانه بودن قانون‌گذار نیز چنین است. ثالثاً، گویا و به احتمال قوی، یکی از دلایل توجیهی در بیان مقصود قانون‌گذار از وضع ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی، گرایش به قضائی کردن مرحله اجرای حکم اشاره کرد. زیرا با ابتدای جرم‌شناختی، فرض بر این است که قاضی اجرای احکام به لحاظ ارتباط و شناخت بیشتری که از وضعیت محکوم‌علیه و خانواده وی دارد، بهتر از قاضی دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند میزان اصلاح و بازاجتماعی شدن محکوم‌علیه را ارزیابی کند. گرچه؛ اقتضای منطق قانون‌گذاری چنین بود که قانون‌گذار مبادرت به وضع این ماده در فصل مربوط به «نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها» می‌نموده است تا مانع ایجاد این ابهام اساسی در رویه قضائی ایران شده باشد.

ابهام دیگر پیرامون ماده ۷۷ این است که صرف‌نظر از پذیرش هریک از دیدگاه‌های مذکور، آیا این ماده تنها نسبت به احکام در حال اجرا قابل اعمال است یا در خصوص سایر احکام قطعی نیز قابل تسری است؟ قید مصرحه از متن ماده ۷۷ قانون مرقوم یعنی «شرایط و آثار اجرای حکم» در

محکوم علیه مؤید آن است که اعمال ماده ۷۷ قانون فوق‌الذکر صرفاً قابل تسری در خصوص احکام قابل اجرا است و در خصوص محکوم‌علیه‌ای که حکم وی قطعی شده است و لکن هنوز اجرای حکم شروع نشده است، نمی‌توان تشدید یا تخفیف مجازات مورد حکم را مورد درخواست قرار داد. البته، نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۲۴۶ مورخه ۹۲/۶/۲۷ هم مؤید همین استدلال است.<sup>۱</sup>

## ۲-۲- جبران خسارت جسمانی وارده بر محکوم‌علیه مجازات خدمات عمومی رایگان

مجازات خدمات عمومی رایگان، یکی از اقسام مجازات‌های جایگزین حبس است. طبق ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی، «خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم و برای مدت معینی مورد حکم قرار می‌گیرد». از جمله فواید این مجازات می‌توان مواردی مانند جلوگیری از آثار زیان‌بار مجازات حبس از نظر روانی، اجتماعی و اقتصادی بر مجرم و خانواده ایشان و جامعه را نام برد. در واقع این مجازات نه تنها باری بر دوش جامعه نبوده و هزینه‌ای دربر نداشته، بلکه از مشکلات جامعه کاسته و یک منبع درآمدی برای جامعه است. خدمات عمومی را باید نماد بارزی از سیاست جنائی مشارکتی دانست، (حاجی تبار فیروزجانی، ۱۳۹۳: ۱۹۳) چراکه از یک‌سوی این کار برای جامعه و نه لزوماً برای دستگاه قضائی انجام می‌شود و از سوی دیگر خدمت عام‌المنفعه جایگزینی است که مستلزم همکاری جامعه، کارفرمایان و مؤسسات دولتی چون شهرداری با دستگاه قضائی است و حتماً باید در ادارات دولتی یا شهرداری‌ها یا انجمن‌های عمومی، انجام شود» (مقصودی‌مالمیری، ۱۳۹۳: ۵۹).

مصادیق خدمات عمومی رایگان در ماده ۲ آئین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تبیین شده است. هرچند قانون‌گذار در این آئین‌نامه تلاش کرده است بسیاری از ابهامات را پاسخ بدهد، لکن در خصوص حادثه‌ای که ممکن است منجر به صدمه یا فوت در حین خدمت عمومی شود، مقرره‌ای وضع نکرده است. فرض کنیم که دادگاه نظافت مکان عمومی را به

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۲۴۶ مورخه ۹۲/۶/۲۷ اداره کل حقوقی قوه قضائیه همان‌طور که در ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب تصریح شده (بررسی آثار اجرای حکم در محکوم‌علیه) توسط قاضی اجرای احکام ملاک اعمال مقررات مال مزبور است، از طرفی پیشنهاد قاضی اجرای احکام در خصوص تشدید، تخفیف، تبدیل، توقف مجازات مورد حکم موضوع ماده ۷۷ قانون مذکور، باید در مواردی باشد که قانون تصریح کرده است، مثلاً طبق ماده ۸۰ قانون مذکور، اگر رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم، حاکی از اصلاح رفتار وی باشد، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام، دادگاه مجازات را تقلیل می‌دهد و یا مطابق ماده ۷۷ قانون مذکور، چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف کند، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام مجازات تشدید می‌شود، اعمال مواد مذکور با لحاظ ماده ۷۹ همین قانون منوط به آن است که حکم در حال اجرا باشد.

مجرمی را که بزه ارتكابی وی مشمول مقررات جایگزین حبس می‌شده، به جهت مزایای خدمات عمومی رایگان سپرده باشد و در زمان اجرای حکم حادثه‌ای ایجاد می‌شود که منتهی به فوت یا صدمه مجرم (محکوم‌علیه) شود. در اینجا تکلیف قضیه چیست؟

هرچند در آئین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرره‌ای وضع نشده و لکن به جهت اینکه قانون‌گذار در زمان تصویب ماده ۵۵۷ قانون آئین دادرسی کیفری، نحوه اجرای مجازات جایگزین حبس را منوط به تصویب آئین‌نامه‌ای ظرف ۶ ماه از زمان اجرای قانون اعلام کرده که آئین‌نامه مزبور با حدود چهارسال تأخیر با عنوان «آئین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، مقام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس» در تاریخ ۹۸/۲/۳ به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده است. قطع نظر از اینکه در مدت چهارسال تا زمان تصویب این آئین‌نامه رویه قضائی و صاحب‌نظران به این مسئله متعرض نشده‌اند و لیکن در ماده ۳۳ آئین‌نامه اجرایی<sup>۱</sup> مذکور پیش‌بینی جبران زیان‌های ناشی از حوادث کار برای محکوم‌علیه را تکلیف دستگاه پذیرنده خدمت کرده است که ظاهراً ماده ۳۳ آئین‌نامه پاسخ‌گویی چالش مطروحه است؛ کما اینکه به موجب ماده ۲۴-۱۳۱ قانون جزای فرانسه نیز محکوم به خدمات عمومی رایگان تحت پشتیبانی و مسئولیت دولت قرار دارد و چنانچه به مناسبت انجام کار خسارتی به دیگری وارد کند، دولت مسئول پرداخت آن است (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۵۲)، و لکن مسئله‌ای که وجود دارد آن است که جبران زیان ناشی از جرم توسط دستگاه پذیرنده قطعاً و لزوماً باید با بیمه کردن محکوم‌علیه تضمین شود، چون در غیر این صورت در بودجه سنواتی برای دستگاه پذیرنده خدمت که برخی از آنها از وزارتخانه‌ها و سازمان و ادارات دولتی و یا نهادهای عمومی غیردولتی هستند به‌منظور پرداخت زیان‌های احتمالی ردیف بودجه‌ای منظور نمی‌شود و حتی به‌نظر می‌رسد برای بیمه کردن محکوم‌علیه جهت زیان‌های احتمالی، ردیف بودجه‌ای در نظر گرفته نمی‌شود.

بنابراین، جهت برون رفت از این ابهام، در متن ماده ۳۳ آئین‌نامه «بیمه محکوم‌علیه در زمان انجام خدمت در دستگاه پذیرنده خدمت و ردیف بودجه لازم برای این منظور» گنجانده شود، چراکه اضافه کردن عبارت اعلامی علاوه بر رفع چالش حقوقی مذکور سبب رغبت نهادهای

---

۱. ماده ۳۳ آئین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس: «دستگاه پذیرنده مکلف‌اند حسب نوع خدمت عمومی رایگان نسبت به پیش‌بینی جبران زیان‌های ناشی از حوادث کار برای محکوم‌علیه، مشروط به اینکه ناشی از تقصیر وی نباشد، اقدامات لازم را به‌عمل آورند.»

پذیرنده در اعلام و به‌کارگیری محکومان می‌باشد، چراکه بسیاری از نهادهای پذیرنده خدمت موضوع ماده ۴ آئین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی بنا به مشکلات مذکور، از اعلام ظرفیت پذیرش و نوع خدمت موردنیاز خود طفره می‌روند. البته، در حقوق جزای فرانسه در صورت رخداد یک حادثه یا بیماری شغلی، محکوم از قوانین تأمین اجتماعی مربوط به حوادث کار استفاده می‌کند (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۵۳).

همچنین، ابهام دیگر مرتبط با این مبحث در آئین‌نامه مذکور، این است که چنانچه محکوم‌علیه در حین انجام خدمات عمومی رایگان خساراتی را به تأسیسات یا اموال نهاد پذیرنده خدمت وارد کند و به جهت اعسار یا مشکلات مالی قادر به جبران آن نباشد، مرجع جبران خسارت وارده چیست؟ به عقیده نگارندگان، آئین‌نامه مزبور نیاز به الحاق یک ماده‌ای مستقل و یا لااقل الحاق یک تبصره‌ای به ماده ۸ آن دارد که در آن مسئول جبران خسارات وارده به نهاد پذیرنده خدمت را در صورت اعسار محکوم‌علیه پیش‌بینی کند.

#### ۲-۳- سازوکار نظارت بر اجرای مجازات توسط نهادهای پذیرنده

طرفداران خدمات عمومی رایگان قائل بر آن هستند که انجام این خدمات موجب منفعت عمومی است. نظریه کار اجباری به‌عنوان یک مجازات به حکومت آلمان نازی برمی‌گردد که البته معایبی را هم برای این نوع مجازات اعلام کرده‌اند، از جمله اینکه بازرسی، کنترل و پایش بزه‌کاران در مدت انجام کار اجباری، هزینه‌های زیادی خواهد داشت (تاری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۱). شاید به‌دلیل هزینه‌های بالای نظارت و پایش بزه‌کاران در هنگام خدمات عمومی رایگان، قانون‌گذار سازوکار جامع و دقیقی را برای این امر وضع نکرده است. در هر صورت مطلوب آن بود که قانون‌گذار به‌منظور پایش دقیق وظایف محوله به محکوم‌علیه نظام نظارتی را در مجموعه نهاد پذیرنده خدمت پیش‌بینی می‌کرد تا مجازات جایگزین حبس از نوع خدمات عمومی رایگان به‌نحوی که مراد قاضی صادرکننده رأی می‌باشد، مورد اجرا قرار بگیرد.

در پاسخ به نقد مذکور ممکن است گفته شود، قانون‌گذار در ذیل ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۴۸۵ قانون آئین دادرسی کیفری پیش‌بینی کرده است که قاضی اجرای احکام به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور مراقب در اختیار دارد و این مددکاران و مأموران مراقب می‌توانند یک مرجع نظارتی بر احکام جایگزین حبس از نوع خدمات عمومی رایگان باشند، لکن این استدلال مردود است، زیرا مأموران مراقب پیش‌بینی شده در ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی و ۴۸۵ قانون آئین دادرسی کیفری به‌همراه مددکاران اجتماعی و مأموران اجرا به‌منظور انجام مأموریت‌های اعلامی برای قاضی اجرای احکام کیفری در نظر گرفته شده‌اند، زیرا در قوانین

اعلامی برای قاضی اجرای احکام به‌خصوص در جهت نظارت بر نهادهای ارفاقی تکالیف متعددی پیش‌بینی شده است. وانگهی، نهادهای پذیرنده خدمت در ماده ۴ آئین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی از تعدد و تکثر برخوردار هستند و امکان اینکه مأموران مراقب مستقر در واحدهای اجرای احکام (که به‌لحاظ مشکلات در تأمین نیروی انسانی در درون قوه هنوز مأموران خاصی اختصاص پیدا نکرده‌اند) بر این نهادهای پذیرنده نظارت کنند، وجود ندارد. از این‌رو به‌نظر می‌رسد در هر یک از نهاد پذیرنده خدمت باید مأموران کنترلی پیش‌بینی شود تا در صورت معرفی محکوم‌علیه به‌منظور خدمت در نهاد پذیرنده واحد مربوط برای انجام وظایف محوله نظارت دقیق کنند و برای این امر باید در مفاد آئین‌نامه موضوع ماده ۷۹ اصلاحاتی در نظر گرفته شود و به‌نظر می‌رسد در ذیل ماده ۹ باید تبصره‌ای الحاق شود تا این چالش تشریح شده و نقض اعلامی مرتفع گردد. البته، در حقوق جزای فرانسه وظیفه نظارت بر اجرای خدمات عمومی رایگان توسط محکوم‌علیه با قاضی اجرای مجازات است که ایشان به‌وسیله بازرس فنی کار از رعایت نکردن احتمالی تعهدهای ویژه آگاه می‌شود. قاضی اجرای مجازات‌ها به‌محض آگاهی از جریان امر ممکن است، ابتدا تعهد را تغییر دهد. همچنین، می‌تواند محکوم را زندانی کرده و به دادگاه جنحه مراجعه کند (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۵۳ و ۳۵۴).

همچنین، شایان ذکر است که قطع نظر از اینکه سازوکار نظارت بر اجرای مجازات توسط نهادهای پذیرنده خدمت با مشکل مواجه است، پراکندگی اجرای تکالیف نهادهای پذیرنده و چگونگی ارتباط آن‌ها با دایره اجرای احکام نیز یکی از چالش‌های جدی است، چراکه از یک‌سو، با توجه به مفاد آئین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی اجرای تکالیف نهادهای پذیرنده خدمت پراکنده بوده و از سوی دیگر، چگونگی ارتباط دقیق و مؤثر آن با واحد اجرای احکام با مشکلات عملی جدی مواجه است، از این‌رو پیشنهاد می‌شود در ذیل ماده ۴ آئین‌نامه مزبور، یک تبصره‌ای الحاق شود و در آن پیش‌بینی شود که کمیته‌ای با حضور نهادهای نمایندگان نهادهای پذیرنده خدمت تشکیل و سازمان زندان‌ها به‌عنوان رابط کمیته و دستگاه قضائی تعیین شود که این کمیته می‌تواند یکپارچگی و انسجام اجرای تکالیف نهادهای پذیرنده و ارتباط آن‌ها با واحد اجرای احکام کمک شایانی کند.

#### ۲-۴- اخذ تأمین در حین اجرای مجازات

قانون‌گذار ایران، فصل هفتم از بخش دوم در مواد ۲۱۷ الی ۲۶۱ از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به‌منظور دسترسی به متهم و حضور به‌موقع وی و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم، به بحث «قرارهای تأمین و نظارت قضائی» اختصاص داده است. «قرارهای تأمین و نظارت

قضائی سازوکارهای حقوقی هستند که از طریق آن‌ها، متهم از آغاز تحقیقات مقدماتی تا شروع به اجرای حکم یا مختومه شدن پرونده، تحت کنترل و نظارت مقامات قضائی است. هدف از این قرارها، جلوگیری از بازداشت شدن متهم پیش از محاکمه و در عین حال کنترل و در دسترس بودن او و تضمین حقوق بزه‌دیده است.» (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۱۱۸)

قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۱۳۹ قانون آئین دادرسی کیفری سابق از جمله شروط ملغی شدن قرار تأمین کیفری را شروع به اجرای حکم به صورت مطلق اعلام کرده بود و لکن در قانون جدید به جهت اینکه درصدد پیش‌بینی همه ابعاد قضیه بوده است، از جمله شروط لغو قرار تأمین و نظارت قضائی را در ماده ۲۵۱ قانون آئین دادرسی کیفری، شروع به اجرای حبس و تبعید یا اقامت اجباری و اجرای کامل سایر مجازات‌ها اعلام کرده است که این تفکیک نشان از دقت قانون‌گذار در خصوص تفاوت ماهیت مجازات‌های حبس و تبعید و اقامت اجباری با سایر مجازات‌ها (شلاق، دیه، جزای نقدی) دارد. ملغی شدن تأمین بعد از شروع حبس منطقی به نظر می‌رسد چراکه اگر در ایام حبس مقامات اجرای احکام بخواهند به محکوم‌علیه مرخصی اعطا کنند، این اعطای مرخصی باید در چارچوب آئین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی و با اخذ تأمین مناسب باشد که در نتیجه عدم الغای تأمین مأخوذه قبلی امری بیهوده است و لکن در خصوص سایر مجازات‌ها از جمله دیه یا جزای نقدی با وصفی که در ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های و ماده ۵۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری امکان تقسیط دیه و جزای نقدی وجود دارد.

به عقیده نگارندگان، لغو قرار تأمین و نظارت قضائی بعد از اجرای کامل مجازات بسیار منطقی است و لکن در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس این پرسش مطرح می‌شود، این است که آیا در مواردی که دادرس برای متهم مجازات جایگزین حبس در نظر گرفته است، قرار تأمین و یا قرار نظارت قضائی اخذ شده از متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی با شروع به اجرای مجازات جایگزین حبس منتفی می‌شود یا بعد از اجرای کامل مجازات جایگزین حبس، قرار تأمین و یا نظارت قضائی ملغی است؟

شیوه نگارش ماده ۲۵۱ قانون مجازات اسلامی مؤید آن است که صرفاً با شروع مجازات‌های حبس و تبعید یا اقامت اجباری، قرار تأمین و نظارت قضائی لغو می‌شوند و در سایر مجازات‌ها از جمله مجازات‌های جایگزین حبس قرار تأمین و نظارت قضائی با اجرای کامل مجازات‌ها لغو می‌شوند؛ ولی نگاه دیگری به قانون و در نظر گرفتن سایر مقررات موجود از جمله مذاقه در متن ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی به نظر می‌رسد در مجازات‌های جایگزین حبس در هر صورت دادگاه باید ضمن تعیین مجازات جایگزین حبس برای متهم مجازات حبس را تعیین کند تا به هر

حال در صورت عدم امکان مجازات جایگزین حبس به هر علتی مجازات اصلی (حبس) برای متهم به مرحله اجرا در آید و معتقدند: «مجازات جایگزین حبس مجازات غیر قطعی است و قطعیت آن مشروط به تحقق شرایطی وابسته به رفتار مجرم است، بدل جایگزین حبس معین در حکم قید شود تا در صورت عدم امکان اجرای مجازات جایگزین مجازات اصلی به اجرا درآید» (زراعت، ۱۳۹۳: ۱۵۴). پس در مجازات‌های جایگزین حبس، مجازات اصلی حبس است، در نتیجه با شروع اجرای حکم، قرار تأمین و قرار نظارت قضائی ملغی می‌شود که تفسیر به نفع متهم (محکوم علیه) این استدلال را تقویت می‌کند.

نگارندگان بر این باورند، هر چند در مجازات‌های جایگزین حبس وفق ماده ۷۰ قانون پیش گفته، تعیین مجازات حبس ضمن تعیین مجازات جایگزین حبس ضرورت دارد و لکن این امر دلیل بر تغییر ماهیت جایگزین حبس نیست، چراکه مجازات جایگزین حبس یک نهاد ارفاقی که قانون‌گذار به منظور احتراز از آسیب‌های حبس، این نوع مجازات را در قوانین کیفری گنجانده و صرفاً در صورتی که اجرای مجازات جایگزین حبس متعذر شود، حبس در نظر گرفته شده و در نتیجه مجازات اولیه تعیین شده برای متهم حبس نیست تا به استناد ذیل ماده ۲۵۱ قانون آئین دادرسی کیفری، با اجرای کامل مجازات جایگزین حبس قرار تأمین کیفری و یا نظارت قضائی ملغی می‌شود، مگر اینکه پس از تعیین مجازات جایگزین حبس برای متهم به جهت تعذر اجرای مجازات جایگزین یا تخلف از دستور یا عجز از پرداخت جزای نقدی مجازات جایگزین حبس به مجازات حبس تبدیل شود که در این فرض با شروع اجرای مجازات حبس، قرار تأمین و نظارت قضائی ملغی می‌شود.

#### ۲-۵- تعیین مجازات قابل اجرا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین حبس

در اجرای اصل مسلم قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و به استناد اصل ۳۶ قانون اساسی و مواد ۲ و ۱۲ و ۱۳ قانون مجازات اسلامی، هر رفتار اعم از فعل و یا ترک فعل، زمانی جرم تلقی می‌شود که در قوانین کنونی مجازاتی برای آن تعیین و نوع و میزان و کیفیت اجرای آن در قانون مشخص شده باشد. نگاه اجمالی به ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی حکایت از آن دارد که قانون‌گذار در ماده مزبور، برخلاف اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، رفتاری را که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده، به عنوان جرم پذیرفته است.<sup>۱</sup> قطعاً این دیدگاه با مقررات قانونی منطبق نیست، چراکه قانون‌گذار در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی در مقررات و نظامات دولتی اعمال مجازات و

---

۱. ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی: «دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را تعیین می‌کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود.»

یا اقدامات تأمینی و تربیتی را منوط به قانونی دانسته که پیش از وقوع جرم مقرر شده باشد و ماده ۱۸ همین قانون هم مجازات‌های تعزیری را منوط به قانون دانسته است.

اساساً میزان مجازات جایگزین حبس مطابق مواد ۸۳ الی ۸۶ قانون مجازات اسلامی براساس میزان حبس‌های مقرر برای جرم ارتكابی تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، اگر دادگاه درصدد تعیین مجازات جایگزین حبس باشد، از یک سو باید مجازات حبس متهم را در نظر بگیرد و براساس میزان حبس معین شده برای عمل متهم در قانون، مجازات جایگزین حبس در نظر بگیرد و از سوی دیگر به موجب ماده ۷۰ قانون مرقوم شرط تعیین مجازات جایگزین حبس، اعلام مدت مجازات حبس می‌باشد، چراکه در صورت تعذر مجازات جایگزین حبس به هر جهتی دستگاه کیفری نمی‌تواند مجازات حبس را حق متهم اعمال کند، درحالی‌که در مانحن‌فیه همان طوری که متن ماده ۶۹ حکایت دارد، برخی جرائم برخلاف اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها (اصل ۳۶ قانون اساسی و مواد ۲، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۸ قانون مجازات اسلامی بدون تعیین مجازات هستند.

حال پرسش قابل طرح این است مجازات‌هایی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، کدام‌اند؟ و اینکه چالش‌های اعلامی چگونه قابل حل است؟

در ابتدای انقلاب اسلامی و پیش از تصویب قانون تعزیرات به تأسی از قاعده فقهی «التعزیر بما یراه الحاکم» برخی فقها معتقد بودند تعیین نوع مجازات تعزیری به حاکم واگذار شده است و برخی دیگر هم اختیار قاضی در اجرای این قاعده را منحصر به تعیین مجازات می‌دانستند، نه نوع مجازات تعزیری و این امر سبب مبسوط‌الید شدن قضات شده بود، تا اینکه به منظور جلوگیری از رویه‌های متفاوت و نیز به جهت آنکه غالب قضات محاکم از جمله قضات مأذون منصوب شده بودند، به ناچار قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ به صورت قانون درآمد. «با وجود این، رگه‌هایی از اندیشه‌های قبل در ذهن قانون‌گذار باقی مانده، به ندرت اصل تعزیر را در قانون مقرر کرده، ولیکن تعیین نوع و مقدار آن را به قاضی محول کرده است. رسالت ماده مورد بحث آن است که از رفتارهای سلیقه‌ای احتمالی قضات در انتخاب نوع و میزان تعزیر در موارد یادشده جلوگیری کند» (توجهی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

اما در پاسخ به پرسش‌های مطروحه در این قسمت باید گفت، همان گونه که فوقاً بیان شده است، مواردی که نوع و مقدار تعزیر به قاضی محول شده محدود است، از جمله این موارد مواد ۲ و ۳ و ۱۴

۱. ماده ۲ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عمومی را جریحه‌دار می‌کند: مجازات تعزیری تولیدکنندگان داخلی و واردکنندگان و فروشندگان و

قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند، مصوب ۶۵/۱۲/۲۸ می‌باشد. قانون‌گذار در مواد اعلامی تعیین میزان تعزیر را به نظر قاضی واگذار کرده است. حال با آشنایی مصدق‌ی از جرائم موضوع ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که قانون‌گذار در ماده ۱۷۰ قانون مجازات اسلامی شرط تعیین مجازات جایگزین حبس را تعیین مجازات حبس اعلام کرده است. در خصوص جرائم اعلامی در مواد ۲ و ۳ و ۴ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند که فاقد مجازات حبس است، چه باید کرد؟ پیش از پاسخ به این پرسش باید گفت که قانون‌گذار با تصویب ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی کلاً از دیدگاه اولیه خویش مبنی بر اعمال تعزیر توسط حاکم کاملاً عدول کرده و عملاً دیگر تعیین مجازات هیچ جرم تعزیری به اختیار قاضی نیست، چراکه در قوانین جاریه هر موردی نوع و میزان تعزیر مشخص نشده باشد، آن‌گاه باید مجازات جایگزین حبس تعیین شود و قضات محاکم هم عملاً برای تعیین مجازات جایگزین حبس باید بند «ب» ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی<sup>۲</sup> را ملاک عمل قرار بدهند.

ولی در پاسخ به پرسش مذکور باید گفت که قانون‌گذار با وضع این ماده در جهت کاهش جمعیت کیفری و استفاده بیشتر از نهاد جایگزین حبس نبوده، بلکه درصدد مدون کردن بیشتر تعزیرات و جلوگیری از رویه‌های متفاوت است. در راستای رفع این اشکال این پیشنهاد مطرح شده است که «الف- کیفر قابل اجرا در صورت تعدر اعمال جایگزین مقرر در حکم مشخص

---

استفاده‌کنندگان البسه و نشان‌های مذکور در ماده، به شرح زیر خواهد بود: الف: تذکر و ارشاد ب: توبیخ و سرزنش ج: تهدید د: ... ماده ۳ دست‌فروشان که به توزیع و فروش البسه و نشان‌های موضوع ماده ۱ می‌پردازد، مجرم شناخته می‌شوند و برای بار اول کالاهایی که در اختیار دارند ضبط و طبق بند الف ماده ۲ عمل می‌شود و در صورت تکرار جرم، بار اول دویست پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال و دفعات بعد پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال جریمه خواهند شد. ماده ۴- کسانی که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲ محکوم می‌شوند.

۱. ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی: «دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعدر، اجرای مجازات جایگزین تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود.»

۲. بند «ب» ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی «در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها نودویک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده، شش ماه تا یک سال...».

شود. ب- ماده ۶۹، در قالب تبصره‌ای ذیل ماده ۶۴ به‌عنوان قسم خاصی از جایگزین‌ها، یا در انتهای این فصل و یا به‌عنوان تبصره‌ای ذیل ماده ۱۸ ارائه شود» (توجهی، ۱۳۹۲: ۱۲۲) و لکن به عقیده نگارندگان ممکن است به هر جهتی اجرای مجازات جایگزین حبس متعذر شود و بنا به بند صریح ماده ۷۰ در هر صورت باید کیفر اصلی در حکم مشخص شود، با عنایت به آزمایشی بودن این قانون تغییر خوبی در اصلاحات بعدی احتمالی صورت بگیرد، به این نحو که قانون‌گذار در ذیل ماده ۶۹ تبصره‌ای را اضافه کرده و مقرر کند مفاد این ماده از شمول ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص تکلیف بر تعیین مجازات حبس در صورت تعذر مجازات جایگزین حبس مستثنا باشد، در آن صورت محاکم در مورد جرائمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوع مشخص نشده، لزومی به تعیین مجازات حبس ندارند.

۲-۶- شرایط و دامنه شمول تخفیف مجازات موضوع ماده ۴۸۳ قانون آئین دادرسی کیفری از دیگر نهادهای ارفاقی که محکوم‌علیه کیفری می‌تواند پس از صدور حکم محکومیت قطعی از آن بهره جوید، ماده ۴۸۳ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است. قانون‌گذار در ماده ۴۸۳ به جرائم غیرقابل گذشت اشاره کرده است، لکن به نظر می‌رسد شمول حکم این ماده محدود به جرائم تعزیری غیرقابل گذشت بوده و قابل تسری به جرائم حدی و قصاص و دیه نیست. در خصوص اینکه اعمال ماده ۴۸۳ منوط به گذشت تمام شکات است یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از حقوقدانان عقیده دارند که گذشت تمامی شکات برای اعمال ماده ۴۸۳ قانون پیش‌گفته ضرورت دارد و چنین استدلال می‌کنند که «با وحدت ملاک از ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، که در فرض تعدد شکات، تأثیر گذشت در جرائم قابل گذشت را موکول به گذشت تمام شکات نموده است، در اینجا نیز اگر یک جرم علیه چند نفر ارتکاب یافته و در نتیجه چند شاکی داشته باشد، گذشت تمام شاکیان برای اعمال ماده مذکور لازم است» (خالقی، ۱۳۹۳: ۳۸۸) و در مقابل عده‌ای نظر مخالف داشته و بر این باورند که گذشت تمام شکات ضرورت ندارد. در این خصوص در نشست قضائی شهر املش استان گیلان با موضوع جهات مختلف مجازات به تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۱ نظریه ابراز شده که وفق مفاد نظریه ابرازی که اتفاقاً مورد تأیید هیئت عالی هم رسیده است، رضایت جملگی شکات را شرط اعمال ماده ۴۸۳ قانون آئین دادرسی کیفری ندانسته است (صورتجلسه نشست قضائی استان گیلان شهر املش مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۱ برگرفته از پایگاه اینترنتی: <http://www.heshast.org> تاریخ مشاهده: ۹۹/۵/۲۱).

نگارندگان نیز بر این عقیده‌اند که باگذشت برخی شکات هم می‌توان ماده ۴۸۳ قانون پیش‌گفته را اعمال کرد و صرف مساعی محکوم‌علیه برای اخذ رضایت ارزشمند بوده و قانون اعلام گذشت

شاکی یا مدعی خصوصی را محدود به همه شکات یا مدعیان خصوصی نکرده است، وانگهی، میزان تخفیف یا تبدیل مجازات به عقیده مقام قضائی است و در پرونده‌ای اگر تمام شکات گذشت نکرده باشند، دادگاه می‌تواند عدم گذشت تمامی شکات را هنگام صدور رأی مدنظر قرار بدهد.

پرسشی دیگری که مطرح می‌شود، آن است در فرضی که دادگاه حکم به یکی از اقسام مجازات جایگزین حبس بدهد، آیا گذشت بعدی شاکی تأثیرگذار است؟ و بر فرض مثبت بودن پاسخ، آیا تخفیف در مجازات جایگزین حبس مؤثر است و یا در مجازات حبسی که در اجرای ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی تعیین می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت گذشت بعدی قطعاً در جرائم غیرقابل گذشت تأثیرگذار است و لکن در این خصوص اختلاف دیدگاه اعلامی در ماده ۴۴۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حکم‌فرما است. از یک‌سو از آنجا که در ماده ۴۸۳ قانون پیش‌گفته، تخفیف یا تبدیل مجازات پیش‌بینی کرده و مقصود مقنن، تخفیف یا تبدیل مجازات تعیین‌شده قابل اجرا است و در اعمال مجازات جایگزین حبس، چون اولاً و بالذات مجازات جایگزین حبس اجرا می‌شود، از این‌رو تخفیف یا تبدیل مجازات مدنظر قانون‌گذار فقط ناظر به مجازات جایگزین حبس است و تخفیف یا تبدیل مجازات تأثیری در مجازات حبس تعیین‌شده ندارد. از سوی دیگر، این دیدگاه نیز مطرح می‌شود که قانون‌گذار در ماده ۴۸۳ قانون آئین دادرسی کیفری تخفیف یا تبدیل مجازات تعیین‌شده را پیش‌بینی کرده است و چون در مجازات جایگزین حبس، دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مجازات حبس را به استناد ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی تعیین می‌کند، در نتیجه دادگاه برای محکوم‌علیه‌ای که هم مشمول ماده ۴۸۳ قانون آئین دادرسی کیفری می‌شود، علاوه بر تخفیف یا تبدیل مجازات جایگزین حبس باید مجازات حبس را تخفیف یا تبدیل کند، چون هر دو مجازات به‌عنوان مجازات تعیین‌شده برای متهم هستند و باید هر دو تخفیف یا تبدیل شود.

در این مورد نگارندگان نیز به صائب بودن دیدگاه دوم اعتقاد دارند، چراکه تفسیر به‌نفع متهم مؤید استدلال فائلین به نظریه اخیر است و فقط نکته‌ای را که باید مدنظر قرار داد این است که اگر دادگاه پس از اعلام گذشت شاکی خصوصی بخواهد با پذیرش دیدگاه دوم هم مجازات جایگزین حبس و هم مجازات حبس موضوع ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی را تقلیل دهد، مشکلی ندارد و لکن اگر دادگاه بخواهد هم مجازات جایگزین حبس و هم مجازات حبس موضوع ماده ۷۰ را تبدیل کند، با یک چالش مجازات مواجه می‌شود، چراکه تبدیل مجازات جایگزین حبس و یا تبدیل مجازات حبس یعنی تغییر کامل مجازات که این امر با فلسفه مجازات جایگزین حبس مابینت دارد، چراکه مجازات جایگزین حبس در جایی اعمال می‌شود که مجازات حبسی وجود داشته باشد و در جایی که مجازات

حبس در اجرای ماده ۴۸۳ قانون آئین دادرسی کیفری به نوع دیگری تبدیل شده و کلاً منتفی گردیده، دیگر محملی جهت مجازات جایگزین حبس وجود ندارد.

#### ۲-۷- فقدان پیش بینی ضمانت اجرا در صورت ارتکاب جرم عمدی در حین اجرای مجازات

مجازات‌های جایگزین حبس مقرر در قانون، بعد از قطعیت رأی در برهه‌ای از زمان به مرحله اجرا درمی‌آیند. برای نمونه جزای نقدی روزانه در مواعد خاصی باید پرداخت شود تا حکم اجرا شده تلقی شود و یا در خدمات عمومی رایگان محکوم علیه باید در مواعد معینی اقداماتی را انجام بدهد تا حکم اجرا شده تلقی شود، با این حال در مسیر اجرای حکم، امکان ارتکاب جرم مجدد از سوی محکوم علیه وجود دارد. قانون گذار در برخورد با تکرارکنندگان جرم قاعده تکرار جرم را پیش بینی کرده است. در نگاه نخست شاید بتوان گفت که چنانچه عمل ارتكابی مجدد محکوم به مجازات جایگزین حبس، با عنایت به ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مشمول قواعد تکرار جرم شود، مطابق عموماً برای مرتکب مقررات تکرار جرم اعمال می‌شود، در غیر این صورت مجازات جرم جدید به علاوه مجازات جایگزین حبس در حال اجرا بدون هرگونه تشدید اعمال می‌شود، اما به نظر می‌رسد این پاسخ صحیح نباشد، چراکه مجازات جایگزین حبس یک نهاد ارفاقی بوده و قانون گذار در خصوص سایر نهادهای ارفاقی از جمله نهاد تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط این دیدگاه را مورد پذیرش قرار نداده است و بنا بر ظاهر قانون گذار در خصوص ارتکاب جرم بعد از اعمال نهاد ارفاقی دیدگاه افتراقی داشته و برای چنین مواردی صرف اعمال مقررات تکرار را کافی نمی‌داند. بر این اساس، قانون گذار در ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی<sup>۱</sup> ضمانت اجرای ارتکاب جرم جدید و قطعیت حکم در مورد جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه ۷ از تاریخ صدور قرار تعلیق تا پایان مدت تعلیق را لغو قرار تعلیق و اجرای حکم معلق دانسته است و یا در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی ضمانت اجرای ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه و تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید اجرا، مدت باقی مانده محکومیت در نظر گرفته است.<sup>۲</sup>

۱. ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می‌کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجرا می‌شود».

۲. ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود و در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرائم

در نتیجه به عقیده نگارندگان، بنا به مراتب فوق قانون‌گذار در مواردی که برای محکوم علیه نهاد ارفاقی مورد حکم قرار می‌گیرد، تدابیر ویژه‌ای را مدنظر قرار می‌دهد و چنین فردی را در شمول مقررات عام تکرار جرم مستثنا می‌داند و به نظر می‌رسد قانون‌گذار در ضمن ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی که ضمانت اجرای تخلف از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه را احصا کرده و به مثابه مواد ۵۴ و ۶۱ قانون مجازات اسلامی ضمانت اجرا ارتکاب جرم عمدی در حین اجرای مجازات جایگزین حبس را به صراحت مشخص می‌کرد، به منظور مرتفع شدن خلأ تقنینی پیشنهاد می‌شود که ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی به شرح ذیل تدوین و اصلاح شود:

«چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف کند، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه و برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌شود. در صورت تکرار جرم قبلی یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت در حین اجرای مجازات جایگزین حبس علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت مجازات حبس تعیین شده ضمن مجازات جایگزین حبس اجرا می‌شود. تبصره- دادگاه در متن حکم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم و آثار ارتکاب جرم جدید را به طور صریح قید و به محکوم تفهیم می‌کند قاضی اجرای احکام نیز در ضمن اجرا با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقرر مربوط نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می‌کند». البته، در حقوق جزای فرانسه ضمانت اجرای تخلف محکوم از اجرای دستورات موضوع حکم خدمات عام‌المنفعه و یا ارتکاب جنحه و یا جنایت بدین نحو است که: «در صورت تخلف محکوم از اجرای دستورات پیرو گزارش قاضی اجرای مجازات، دادگاه جنحه می‌تواند مهلت انجام کار را تمدید کند، بی‌آنکه از حداکثر ۱۸ ماه تجاوز کند. همچنین، می‌تواند با فسخ تعلیق، دستور اجرای تمام یا بخشی از مجازات را صادر کند. در صورت ارتکاب جنحه یا جنایت در جریان مدت اجرای حکم کار عمومی - که به یک مجازات سالب آزادی بدون تعلیق منجر شود- می‌توان تعلیق همراه با کار عام‌المنفعه را فسخ کرد» (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۵۴).

بدین ترتیب، تارفع ابهام پیش‌گفته توسط قانون‌گذار ایران، چاره آن است که مطابق عموماً عمل کرد، بدین صورت که چنانچه محکوم در حین اجرای مجازات جایگزین حبس مرتکب جرم جدید شود، در صورتی که عمل ارتكابی مجدد وی مشمول قواعد تکرار جرم گردد، مطابق عموماً برای

---

عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجرا درمی‌آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود.»

مرتکب جرم باید مقررات تکرار جرم اعمال شود، در غیر این صورت مجازات جرم جدید به علاوه مجازات جایگزین حبس در حال اجرا بدون هرگونه تشدید اعمال می‌گردد که این استدلال با قواعد پذیرفته شده حقوق جزا و تفسیر مضیق از نصوص جزائی هم‌سو است.

## ۲-۸- وجود مانع در جمع بین چهار ساعت خدمت شاغلین با شغل آن‌ها

علاوه بر ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در آئین نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و مجازات‌های جایگزین حبس که به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده است، به نحوه اجرای خدمات عمومی رایگان پرداخته شده است. با توجه به مصادیق خدمات عمومی رایگان در ماده ۲ آئین نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳/۶/۱۲ به نظر می‌رسد در کشور ایران محکومیت به خدمات عمومی رایگان مستلزم انجام کار و یا ارائه خدمتی است که اغلب به صورت یدی است. انجام این کار بدنی می‌تواند سبب ایجاد فشار بدنی بر محکوم علیه شود و در عین حال این مجازات برای برخی افراد دارای شهرت (هنرمندان و سیاستمداران) بدنام کننده است. همچنین، کنترل و نظارت محکومان در زمان انجام خدمات عمومی رایگان دارای هزینه بالایی بوده و مستلزم به‌کارگیری مأمورین مراقب و یا مددکاری است.

در خصوص ساعت کار کارمندان دولت و کارگران، قوانین مختلف وجود دارد و علاوه بر آن تعدادی آئین نامه، تصویب نامه و بخشنامه در بخش حقوق اداری و حقوق کار وجود دارد. آخرین معیار مورد عمل با قانون لاحق قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ است. وفق ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری<sup>۱</sup> ساعت کار کارمندان دولت، ۴۴ ساعت در هفته تعیین شده است. مطابق ماده ۵۱ قانون کار، ساعت کار کارگران در شبانه‌روز نباید بیش از ۸ ساعت تجاوز کند. همچنین، براساس ماده ۵۲ قانون کار<sup>۲</sup> زمان کار سخت و زیان آور و زیرزمینی نباید از ۶ ساعت در روز ۳۶ ساعت در هفته تجاوز کند. با وجود آنکه از یک سو براساس مقررات موجود، ساعت

۱. ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری: ساعت کار کارمندان دولت ۴۴ ساعت در هفته می‌باشد و ترتیب و تنظیم ساعت کار ادارات با پیشنهاد سازمان و تصویب هیات وزیران تأمین می‌گردد و تغییر ساعت کار کارمندان و موارد ضروری با رعایت سقف مذکور با دستگاه ذیربط می‌باشد. میزان ساعت تدریس معلمان و اعضای هیات علمی از ساعت موظف، در طرحهای طبقه بندی مشاغل ذی‌ربط تعیین خواهد شد.

۲. ماده ۵۱ قانون کار: «ساعت کار در این قانون مدت زمانی است که کارگر بند و یا وقت خود را به منظور انجام کار در اختیار کار فرما قرار می‌دهد به غیر از مواردی که در این قانون مستثنی شده است ساعت کار کارگران در شبانه روز نباید از ۸ ساعت تجاوز نماید.»

کار برای کارمندان و کارگران حدود ۸ ساعت در شبانه‌روز تعیین شده است و از سوی دیگر، در تبصره یک ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی، ساعت ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل را تا ۴ ساعت در نظر گرفته است، به نظر می‌رسد اجرای حکم خدمات عمومی رایگان برای شاغلین با صعوبت مواجه شود و این مشکل در شهرهای بزرگ که امکان تردد با مشکلات بیشتری همراه است، بیشتر خودنمایی می‌کند، چراکه به استناد ماده ۳۲ آئین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس، مدت زمان رفت و آمد محکوم‌علیه به محل کار جزء مدت خدمات عمومی رایگان محسوب نمی‌شود، حال در نظر بگیریم محکوم‌علیه که کارگر بخش خصوصی است و حداقل باید در محل کار خود در یک نقطه از شهر به مدت ۸ ساعت کار کرده و سپس به یک نقطه دیگری از شهر که نهاد پذیرنده خدمت واقع شده عزیمت کند تا بتواند خدمت خویش را به مدت ۴ ساعت ارائه کند که این امر با مشکلاتی مواجه شود. نکته جالب‌تر آنکه غالب نهادهای پذیرنده خدمت موضوع ماده ۴ آئین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی، ادارات و سازمان‌های دولتی یا انقلابی یا عمومی غیردولتی هستند که ساعت کار آنان از ساعت ۸ صبح شروع می‌شود که کارمند یا کارگری که قصد حضور در محل کار خود و اجرای مجازات را به‌صورت توأمان دارد، در مسیر اجرای حکم با مشکلات اساسی روبرو می‌شود. قانون‌گذار در متن قانون راهکاری ارائه نکرده است و شایسته بود که در زمان تدوین آئین‌نامه‌های مذکور برای رفع چالش فوق‌الذکر تدبیری اندیشیده می‌شد. رویه قضائی هم در خصوص این چالش راهکار خاصی را اتخاذ نکرده است.

به نظر می‌رسد برای رفع این مشکل بهتر است که مقام قضائی که پیش از صدور رأی که باید به استناد صدر ماده ۸۴ رضایت محکوم‌علیه را جهت اجرای مجازات جایگزین حبس اخذ کند، در همان زمان باید به محکوم‌علیه در خصوص وجود چالش اعلامی گفتگو کرده و در خصوص چگونگی اجرای حکم توافقاتی نموده تا اجرای حکم امکان‌پذیر باشد. مثلاً کارمندی که در وقت اداری باید در محل کار خود حاضر شود، نهاد پذیرنده‌ای که قادر به کارگیری محکوم‌علیه در عصرها و یا شب‌ها می‌باشد را در نظر بگیرد که این امر هم می‌تواند موجب تسهیل در روند اجرای حکم شود و هم اینکه محکوم‌علیه با ضمانت اجرای موضوع ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی<sup>۱</sup> مواجه نمی‌شود.

---

۱. ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی: «چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رای دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار مجازات حبس اجرا می‌شود.»

### ۹-۲- عدم پذیرش محکومان از سوی نهادهای عمومی

یکی از شرایط لازم به منظور اجرای کارآمد مجازات‌های جایگزین حبس، فراهم کردن بستر فرهنگی، آموزشی و اجرایی آن است؛ چراکه فراهم نبودن این بستر، منجر به عدم وجود ذهنیت مناسب و عدم پذیرش محکومان و یا عدم همکاری مناسب نهادهای عمومی و مؤسسات اعم از دولتی و یا خصوصی خواهد شد. دلیل عدم پذیرش محکومان و یا عدم همکاری مناسب نهادهای عمومی در این باره به فقدان آگاهی‌ها و علاقمندی لازم مدیران و مقامات نهادهای مجری حکم از معایب اجرای مجازات حبس از یک سو و اهداف و کارکردهای مثبت مجازات‌های جایگزین حبس برمی‌گردد. این مجازات به منظور پذیرش و اجرای این گونه از مجازات‌ها است. رسیدن به این هدف مطلوب یعنی آگاهی و علاقمندی از طریق تغییر نگرش‌ها و عقاید مردم و دست‌اندرکاران و مجریان این مجازات‌ها بر غیر ضروری و غیر مفید بودن مجازات‌ها، به‌ویژه مجازات حبس نسبت به برخی جرائم و مجرمین و نیز آشنایی با اهداف، کارکردها و فواید آن مجازات‌های جایگزین حبس میسر خواهد بود.

در این باره گفته شده است: «همکاری مناسب و مؤثر نهادها و مؤسسات مختلف اعم از دولتی و غیردولتی مانند آموزش و پرورش، شهرداری، مددکاری اجتماعی، اداره راهنمایی و رانندگی، کارگاه‌های حرفه‌آموزی و اشتغال کشاورزی و صنعتی و غیره، مراکز بهداشتی و درمانی، مساجد در پذیرش محکومان مجازات جایگزین حبس، نیازمند شناخت و درک کافی و دقیق این نهادها و مجریان آن‌ها از اهمیت و جایگاه این مجازات‌ها، فواید و کارکردهای آن برای محکوم و جامعه امکان‌پذیر خواهد بود» (معظمی، ۱۳۸۶: ۷۹).

استفاده از کلمات و عباراتی مانند قاضی صادرکننده حکم، قاضی اجرای احکام، دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی، حرفه‌آموزی و اشتغال، اقامت یا عدم اقامت در مکان معین، درمان بیماری، خودداری از تصدی برخی یا کلیه وسایل نقلیه، گذراندن دوره‌های آموزشی در مواد مختلف از فصل نهم بخش سوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» به وضوح دلالت بر دخالت داشتن و ایفای نقش مؤثر نهادها و مؤسسات اجتماعی از طریق ارتقای آگاهی‌ها، آموزش و اطلاع‌رسانی دقیق و کافی در سطوح مذکور می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

پیرامون موضوع چالش‌های ناشی از اجمال قوانین موضوعه ایران در باب اجرای مجازات‌های جایگزین حبس و راه‌حل هریک از آن‌ها، نتایج و راهکارهای ذیل حاصل شده است:

- ۱- دامنه شمول ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی صرفاً ناظر بر اعمال مقررات تشدید، تخفیف و تغییر در مجازات‌هایی جایگزین حبس می‌باشد، خواهد بود و اینکه قلمرو اعمال این ماده صرفاً ناظر بر احکام در حال اجرا است.
- ۲- گرچه در قانون جبران زیان‌های ناشی از حوادث کار برای محکوم‌علیه در زمان اجرای حکم خدمات عمومی رایگان توسط دستگاه پذیرنده خدمت پیش‌بینی شده است؛ اما به‌منظور ایجاد رغبت در پذیرش محکومان توسط نهادهای پذیرنده به‌منظور پرداخت زیان‌های احتمالی ردیف بودجه‌ای منظور شود. همچنین، با الحاق یک ماده‌ای مستقل و یا لااقل یک تبصره‌ای به ماده ۸ آئین‌نامه، که مسئول جبران خسارات وارده به نهاد پذیرنده خدمت را در صورت اعسار محکوم‌علیه پیش‌بینی کند.
- ۳- قانون‌گذار به‌منظور پایش دقیق وظایف محوله به محکوم‌علیه، باید نظام نظارت مستقلی را در مجموعه نهاد پذیرنده خدمت با درج تبصره‌ای در ذیل ماده ۹ آئین‌نامه موضوع ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی کند تا مجازات جایگزین حبس از نوع خدمات عمومی رایگان به‌نحو مطلوب اجرا شود.
- ۴- به‌منظور ارتباط دقیق و مؤثر نهادهای پذیرنده خدمت با واحد اجرای احکام، پیشنهاد می‌شود که در ذیل ماده ۴ آئین‌نامه مزبور، یک تبصره‌ای الحاق شود، بدین مضمون که کمیته‌ای با حضور نهادهای نمایندگان نهادهای پذیرنده خدمت تشکیل و سازمان زندان‌ها به‌عنوان رابط کمیته و دستگاه قضائی تعیین شود.
- ۵- با شروع به اجرای مجازات جایگزین حبس، قرار تأمین کیفری و یا نظارت قضائی ملغی‌الاثراً نخواهد شد، مگر اینکه پس از تعیین مجازات جایگزین حبس برای متهم به جهت تعذر اجرای آن یا تخلف از دستور یا عجز از پرداخت جزای نقدی مجازات جایگزین حبس به مجازات حبس تبدیل شود که در این فرض با شروع اجرای مجازات حبس، قرار تأمین و نظارت قضائی ملغی می‌شود.
- ۶- از آنجایی که ممکن است به هر جهتی اجرای مجازات جایگزین حبس موضوع ماده ۶۹ ق.م.ا.ت.م. متعذر شود، از این‌رو پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار در ذیل ماده ۶۹ با اضافه کردن تبصره‌ای مقرر کند که مفاد این ماده از شمول ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص تکلیف بر تعیین مجازات حبس در صورت تعذر مجازات جایگزین حبس مستثنا است.

۷- با رضایت برخی شکات هم می‌توان ماده ۴۸۳ قانون مذکور را اعمال کرد. همچنین، دادگاه برای محکوم‌علیه مشمول ماده ۴۸۳ قانون آئین دادرسی کیفری؛ علاوه بر تخفیف یا تبدیل مجازات جایگزین حبس، باید مجازات حبس را تخفیف یا تبدیل کند.

۸- قانون‌گذار می‌بایست در ضمن ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی ضمانت اجرای ارتکاب جرم عمدی در حین اجرای مجازات جایگزین حبس را به صراحت بدین شرح مشخص می‌کرد: «چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف کند، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه و برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌شود. در صورت تکرار جرم قبلی یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت در حین اجرای مجازات جایگزین حبس علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت مجازات حبس تعیین شده ضمن مجازات جایگزین حبس اجرا می‌شود. تبصره- دادگاه در متن حکم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم و آثار ارتکاب جرم جدید را به طور صریح قید و به محکوم تفهیم می‌کند، قاضی اجرای احکام نیز در ضمن اجرا با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقرر مربوط نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می‌نماید».

برای رفع مشکل جمع بین چهار ساعت خدمت شاغلین (محکوم‌علیه موضوع خدمات عمومی رایگان) با شغل آن‌ها بهتر است که مقام قضائی پیش از صدور رأی و اخذ رضایت محکوم‌علیه، مراتب امکان تداخل در ساعات کارها، را به وی تذکر داده و در خصوص چگونگی اجرای حکم توافقاتی نموده تا اجرای حکم امکان‌پذیر باشد. این امر می‌تواند موجب تسهیل در روند اجرای حکم و جلوگیری از مواجه شدن محکوم‌علیه با ضمانت اجرا موضوع ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی شود.

## منابع

- ابادزی فومشی، منصور (۱۳۹۲)، *ترمینولوژی حقوق نوین*، جلد اول، تهران: انتشارات شهید داریوش نوراللهی.
- آشوری، محمد (۱۳۸۲)، *جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین*، چاپ اول، تهران: نشر گرایش.
- آشوری، محمد و همکاران (۱۳۹۸)، «استانداردهای حداقل بازداشت پیش از محاکمه در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی*، دوره بیست و چهارم، شماره هشتاد و شش.
- امیدی، جلیل (۱۳۹۴)، *تفسیر قانون در حقوق جزا*، تهران: انتشارات جنگل.
- بهره‌مند، حمید (۱۳۹۶)، «سیاست حبس‌زدایی در نظام تعیین جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و شش، شماره هشتاد و دوم.
- بیگی، جمال (۱۳۸۷)، «درآمدی بر خدمات عمومی به عنوان کیفر اجتماعی»، *مجله کانون وکلای دادگستری مرکز*، شماره یازده.
- تازی، دانش؛ حمیدرضا صفایی و حامد آتشگاه، (مترجم) (۱۳۹۶)، *جایگزین‌های حبس در انگلستان و ولز، آلمان و ترکیه*، تهران: میزان.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۲)، *آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- جعفری، محمد حسین (۱۳۹۲)، *اصول حاکم بر تفسیر قانون اساسی در ایران و آمریکا*، چاپ اول، تهران: مجد.
- جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶ق)، *زیر نظر: هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام*، جلد سوم، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام.
- حاجی تبار فیروزجائی، حسن (۱۳۹۳)، *مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران*، چاپ اول، تهران: فردوسی.
- خالقی، علی (۱۳۹۳)، *نکته‌ها در قانون آئین دادرسی کیفری*، چاپ سوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲)، *سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حبس‌زدایی در قانون جدید مجازات اسلامی*، تهران.
- زارعت، عباس (۱۳۹۳)، *شرح مختصر قانون مجازات اسلامی*، چاپ اول، تهران: ققنوس.
- سیفی مازندانی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، *بدایع البحوث*، جلد پنجم، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
- صورتجلسه نشست قضائی استان فارس شهر زرین دشت به تاریخ ۱۳۹۷/۳/۳۰ به نشانی پایگاه اینترنتی <http://www.neshasdoorg/home/get> تاریخ مشاهده: ۹۹/۵/۲۰
- صورتجلسه نشست قضائی استان گیلان شهر املش مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۱ برگرفته از پایگاه اینترنتی: <http://www.heshast.org> تاریخ مشاهده: ۹۹/۵/۲۱
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۴)، *آئین دادرسی کیفری جلد دوم*، چاپ اول، تهران: میزان.
- قلی‌زاده، احمد (۱۳۹۰)، *فرهنگ اصطلاحات اصول فقه*، چاپ اول، قم: تحسین.
- کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۸۰)، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، چاپ بیست و هشتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- گودرزی، محمدرضا و لیلا مقدادی (۱۳۸۴). کیفرشناسی نوین یا کیفرهای اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- محقق حلی، شیخ نجم الدین ابو القاسم جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق)، معارج الأصول، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- مظفر، محمدرضا (بی تا)، اصول الفقه، جلد اول، چاپ پنجم. قم: اسماعیلیان.
- معظمی، شهلا (۱۳۸۶)، جانشین‌های زندان برای زنان، در: مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چاپ اول، نشر میزان.
- مقصودی مالیری، عبدالکریم (۱۳۹۳)، چالش‌های مجازات جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۹۳)، شرح بایسته‌های قانون مجازات اسلامی (در مقایسه و تطبیق با قانون سابق)، چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل.